

سیمین بازرگان^۱

معرفی مختصر دهه از لحاظ تأثیر عوامل علمی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی بر حوزه مطالعات برنامه درسی این دهه، یادآور به یادماندنی‌ترین حادثه قرن و برجسته‌ترین رخداد تاریخ بشری، تراژدی جنگ جهانی اول و همچنین تحولات و رویدادهای نوظهور، از جمله تولد علم مطالعات برنامه درسی است.

از منظر تاریخی؛ مشکلاتی که باعث وقوع جنگ جهانی اول؛ چالش‌ها و همچنین چشم اندازهایی تأثیرگذار تا زندگی امروز ما شده، در این دوره رقم خورده‌اند، به گونه‌ای که بعضی، دوره زمانی سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۱۴ را "سی سال دوم جنگ" می‌نامند. جنگ جهانی اول، پایان نظام‌های پادشاهی اروپا و وقایع بسیار دیگری را رقم زد، این جنگ با ده میلیون کشته در سال ۱۹۱۸ پایان یافت. درست همان سالی که با انتشار اولین کتاب در حوزه "مطالعات برنامه درسی" اثر "بابیت"^۲، آغازی برای حوزه مطالعاتی برنامه درسی شد. از منظر علمی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و هنری؛ تحولات و پیشرفت‌های تأثیرگذار بر باور عمومی نسبت به قدرت اکتشاف انسان و توانایی تغییر توسط او، شایان توجه است.^۳ درحوزه علوم انسانی و روانشناسی، تفسیر جدیدی درباره عملکرد ناخودآگاه از سوی نظریه‌پرداز شخصیت انسان به نام کارل یانگ^۴ مطرح شد که حرکت‌هایی را از تفکر فرویدی^۵ با نظریه الگوی اولیه در ناهشیار جمعی مطرح کرد. از جمله نتایج ناهماهنگی‌هایی در عرصه سیاسی، اجتماعی، می-توان شتاب جنبش‌های کارگری در سراسر جهان در هر دو بافت داخلی و جهانی را که با موفقیت چشمگیر بلشویک‌ها^۶ در سال ۱۹۱۸ در روسیه تحت رهنمود لنین^۷، مشاهده کرد که نگرانی‌های جدیدی را برای سرمایه‌گذاران در سراسر دنیا ایجاد و باعث افزایش هزینه‌ای شد که "هواخواهان انقلابی کمونیست" به دنبال سرنگونی نهایی سیستم سیاسی و اقتصادی ایالت متحده آمریکا بودند. طرح مسائل حقوق زنان در ایالت متحده آمریکا و انگلیس در افکار عمومی، از این دهه آغاز شد.^۸ در عرصه‌های هنر؛ تحولات چشمگیری صورت گرفت.^۹ با توجه به همه این تحولات و آنچه که در تحولات سیاسی، اقتصادی،

siminbazargan@yahoo.com

۱. استادیار دانشگاه خوارزمی

2. Bobbitt

۳. برتراند راسل و آلفرد نورت وایتهد، مطالعه مهم اصول ریاضیات را در فاصله زمانی سالهای ۱۹۱۰ و ۱۹۱۳ انجام دادند و جستجو و تفسیر اصول بنیادی در بسیاری از حوزه‌های تحصیلی را ادامه دادند. در همان سال، ماری کوری به جداسازی رادیوم پرداخت، سال بعد، ارنست راترفورد به تفسیر تئوری اتمی خود ادامه داد و فردریک سودیدر ۱۹۱۳ در انگلستان ایزوتوپ را کشف کرد. در ۱۹۱۲، آلفرد ویجنر تئوری اشتقاق قاره‌ای خود را ارائه کرد. رونال آمونسن در ۱۹۱۱ به قطب جنوب رفت و کشتی تایتانیک به کوه یخ برخورد کرد و با ۱۵۹۵ تلفات غرق شد. در ۱۹۱۳، هانس گیگر، اشعه یاب معروفش را اختراع کرد و کانال پاناما برای کشتیرانی باز گردید. در سال ۱۹۱۴، علم پزشکی با کشف داروی تیروکسین توسط ادوارد کندال پیشرفت کرد و ساخت راه آهن آتلانتیک کانادا به پایان رسید. در ۱۹۱۵، پتانسیل ایجاد ارتباط تلفنی بین قاره‌ها تجربه و در همان سال، تئوری آلبرت انیشتین به چاپ رسید. ۱۹۱۶، والانس الکترون را به نظریه اتمی افزود. متخصص فیزیک نجومی، کارل شواتزشیلد نظریه سیاه چاله را بسط داد. علی‌رغم پیشرفت‌های علمی که در این قرن حاصل شد، اما به طور تقریبی ۲۲ میلیون نفر به علت شیوع بیماری آنفولانزا در ۱۹۱۸ جان خود را از دست دادند.

4. Yung

5. Freudian

6. Bolsheviks

7. V.I. Lenin

۸. بازداشت مارگارت سنگر، ۱۹۱۶ به علت افتتاح اولین کلینیک جلوگیری از بارداری در بروکلین، در سال ۱۹۱۸، آزاد شدن رای دادن برای زنان بالای ۳۰ سال در انگلستان، انتخابات جنت رانکین، اولین بانوی عضو کنگره آمریکا، حمایت چشمگیری از حق رای برای تمام زنان در ایالت متحده آمریکا را برانگیخت.

۹. **رمان‌های** مارسل پروست، دیوید لارنسو جیمز جویس، ادامه دهنده حرکت دهه قبل در جستجوی روح آدمی و تجسم وجود آنها از پوچ‌گرایی بودند. کتاب دگردیسی نوشته کافکا در ۱۹۱۵، تحسین جرج برنارد شاوز موجود مافوق انسان در کتاب "آفریده پرستی و شیر" و همچنین شهرت کتاب "تارزان میمون‌نما" از ادگار رایس در سال ۱۹۱۴ گواه بیشتری بر ایده قدرت موجود در بشر و سیمای این قدرت بود. **نمایش** سامرست موم از گرفتاری و خوشی انسان در کتاب "اسارت بشری" (۱۹۱۵) و "ماه و شش پیشیز" (۱۹۱۹). ارائه بینش برداشت گرایانه و بیان گرایانه بر روی پارچه کرباس از هنری ماتیس، جین رنیور و پیکاسو، افزایش محبوبیت سینما با فیلم‌های "نابردباری" گرفت (۱۹۱۶)، فیلم "دوش فنگ" چارلی چاپلین (۱۹۱۸). آغاز تحول در معماری با پیشگامی در طراحی هتل امپریال لوید رایت در توکیو (۱۹۱۶) و سپس مدرسه والتر باهاوس (۱۹۱۹) در وایمار آلمان که طراحی آن با تأکید بر اصولی در هماهنگی با محیط ساخت بود.

فرهنگی و هنری این دهه در امریکا در جایگاه جامعه‌ای تغییر یافته بیرون آمده از درون جنگ، تحت تأثیر عواملی همچون رویارویی آمریکایی‌ها با فرهنگ و بی‌رحمی جامعه اروپایی، ورود زنان به نیروی کار در زمان جنگ، شیوع بیماری‌های مقاربتی و مسری شد آن پس از ورود سربازان پیاده نظام جنگ، وضع قانون الزامی شدن انجام آزمایش خون پیش از صدور هر سند ازدواج و سایر عوامل تأثیرگذار بر اهمیت توجه به آموزش برنامه‌ریزی شده، ضرورت به وجود آمدن علم برنامه درسی، بارها احساس شد.

شکل‌گیری اندیشه مطالعات برنامه درسی در دهه دوم قرن بیستم؛ سیر تحولی، صاحب‌نظران اصلی

اندیشه برنامه درسی مکتب رفتارگرایی اجتماعی، جهت و مسیر خود را مرهون موفقیت‌های علوم طبیعی و انتشار کتاب‌های بابیت است. این امر نه تنها به دنبال پیشرفت رویکرد تکنولوژیکی در بیان آنچه که در مدارس آموزش داده می‌شود، بلکه به دنبال تقاضای توجه به پیامدهای آنچه بود که از طرف آموزش دولتی برای مدارس تجویز شده بود. کنفرانسی که در سال ۱۹۱۳ در کلوند^۱، تحت رهبری ثرون‌دایک^۲، جوود^۳، گری^۴ تبدیل به رویدادی سالیانه شد که مطالعه علمی برنامه درسی را ارتقاء داد.

بابیت، اینگونه پنداشت که مطالب مورد نیاز برای تدریس در مدارس، بسیار مشابه با فعالیت‌هایی است که بزرگسالان در جامعه انجام می‌دهند و با توجه خاص به مشابهت‌ها، ایده "تحلیل فعالیت"^۵ را مطرح کرد. بر اساس این ایده، فعالیت‌های مربوط به زندگی روزمره به طور جزئی مورد بررسی و فهرستی از فعالیت‌هایی که به طور خاص در زندگی کارآمد و خلاق مورد نیازند، تهیه می‌شود تا فعالیت‌ها به تجارب یادگیری دانش‌آموزان در مدارس تبدیل شوند. ارائه فرضیاتی درباره ماهیت زندگی کارآمد، موفق و خلاق و شایسته آموختن، در کتاب بابیت با تحلیل "آنچه که در مدرسه آموزش داده می‌شود و امکان آموزش را دارد"^۶ (۱۹۱۵) و پاسخ به پرسش آنچه که "شایسته است/ انتظار می‌رود، در مقابل آنچه که "هست" مطرح شده است. اگرچه این کتاب در مقایسه با کتاب "برنامه درسی"^۷ (۱۹۱۸)، از اهمیت کمتری برخوردار است، اما اغلب به عنوان اولین کتاب مدرن در زمینه مطالعات برنامه درسی تلقی می‌شود که به نوعی تحول پیش روی درحوزه مطالعات برنامه درسی را آغاز کرد و شکوفایی آن در دهه دوم قرن بیستم، همان معنایی است که گرایش به تجویز یا پیش بینی آنچه شایسته است در مقایسه با آنچه که موجود است، را برای این حوزه مطرح کرد و در هر دو منظر تجویزی و توصیفی، کسب دانش در مقیاسی وسیع در نظر گرفته شده است. گری (۱۹۱۱) به اصلاحاتی در سطح آموزش متوسطه پرداخت. گیلبرت (۱۹۱۳) آشکارا به بررسی دلالت‌های پنهان تصمیم‌گیری درباره تدریس برخی دروس خاص در سطح ابتدایی پرداخت. ویکز (۱۹۱۳) برای آینده برنامه‌ریزی کرد و بر آن بود که برنامه درسی را پیشنهاد دهد که هم راستا با دموکراسی اقتصادی باشد. گرایش مربوط به قبل از سال ۱۹۰۰ مبنی بر ایجاد ارتباط میان روش آموزشی و برنامه درسی در تأکید هکرت سال ۱۹۱۷ غالب است که بر تفسیر روابط میان سازماندهی مواد آموزشی و برنامه درسی دبستان تأکید داشت. پس از این بود که، سازماندهی تبدیل به دغدغه دائمی برنامه درسی، و در پی آن، مبحث همیشگی ارتباط میان برنامه درسی و تدریس را برای همیشه گشوده شد.

برنامه اندیشه مکتب تجربه‌گرایی درسی، پایه‌های قوی در اثر مهم آموزشی ارزنده جان دیویی^۸ به نام "دموکراسی و آموزش و پرورش" (۱۹۱۶) داشت. اگرچه این اثر، به طور انحصاری، درباره برنامه درسی نگارش نشده بود، اما مضامین مربوط

1. Clevland
2. E.L.Thorndike
3. C. H. Juud
4. W.S. Gray
5. Activity Analysis
6. What the Schools Teach and Might Teach
7. Curriculum
8. Dewey

به برنامه درسی، در بافت‌های سیاسی، علمی، فلسفی، روانشناسی و آموزشی در آن مطرح شده بود. تأثیر مستقیم و غیر مستقیم این کتاب بر روی عملکرد و نگرش برنامه درسی شگفت‌آور بود. دیویی با ایجاد ارتباط میان فعالیت‌های زندگی روزمره افراد و تلاش اجتماعی آنها برای تجزیه تحلیل مشکلات، مفهوم دموکراتیکی از آموزش را ایجاد کرد که هدف آن ایجاد و پیگیری جریان مستمری از پژوهش است که در فرایند و پیامد، رفتار هوشمندانه را سبب می‌شود. وی مطرح نمود که از طریق این گونه پژوهش علمی متناسب با موقعیت ایجاد کننده آن، می‌توان به رشد و هدایت آن دست یافت. این فرایند "تفکر هوشمندانه" در کتاب "چگونه بیاندیشیم" (۱۹۱۰) به معلمان و عامه مردم معرفی شد. دیویی اینگونه ادعا نمود که دموکراسی هدفمندانه/ عقلایی/ تجربی به شکل منطقی کارآمد، با به طور کامل درگیر شدن دانش قبلی، بازی، حس کنجکاوی، ایجاد معنا در زبان، نظام بخشی، قضاوت و همچنین حدس و گمان، دقت ذهنی، مشاهده نقادانه، کنترل اطلاعات و تأیید نتایج، به اوج کاربست و نتیجه می‌رسد. این اندیشه گسترده از بررسی آگاهانه و هدفمندانه در بررسی مسائل و مضمون‌های مهم اجتماعی بسیار جامع‌تر و چالش برانگیزتر از مفاهیم قراردادی، محدود و فنی تفکر علمی مورد توجه قرار گرفت. دیویی با بیان تقابل مفاهیم به نظر متضاد از قبیل رشته مورد علاقه و رشته علمی، استقلال و وابستگی، کار و بازی، تجربه و تفکر، کار و سرگرمی، ذهنیت و عمل، علاقه و نیاز، مبنایی برای تلقی نوینی از برنامه درسی ارائه نمود که مدرسه را با زندگی و آمادگی لازم برای زیستن تلفیق می‌کند. برداشت دیویی از موقعیت‌هایی که نشانگر جنبه‌های تئوری تجربه گرایی آموزشی است، در کتاب "مدارس فردا"، که به اتفاق دخترش نوشت در ۱۹۱۵ به چاپ رسید.

در سال ۱۹۱۸، کیلپاتریک^۱، نهضت تند و تیزش را با انتشار تفسیر خود نسبت به پیشنهاد دیویی آغاز کرد تا برداشت‌های خود در مورد روش و برنامه درسی تعیین نماید. "روش پروژهای" او در میان محققان آموزشی و شاغلان این حرفه معروف شد. کیلپاتریک این ایده را مطرح نمود که فعالیت‌های مربوط به یادگیری بایستی در حیطه‌ای مشترک از علاقه-های دانش‌آموز و تمام حوزه‌های درسی مرتبط با این علاقه با یکدیگر ادغام شوند. اقدام مندل برانوم در سال ۱۹۱۹، اولین تلاش برای تلفیق این روش با شیوه آموزش در مدرسه بود. بعضی از محققان این روش را به عنوان نسخه بسط یافته نگرش دیویی پذیرفتند. گروه دوم طرفدار رویکرد تفسیری مکتب هوراس من (۱۹۱۳ و ۱۹۱۷) به عنوان بیان واقعی‌تر از تفکر تجربه گرایی بودند.

زنان محقق در مطالعات برنامه درسی

برای اولین بار، زنان محقق نظراتشان را درباره برنامه درسی را در این دهه به چاپ رساندند. مونته سوری، پزشک ایتالیایی، با موفقیت بسیار چشمگیر در آموزش به کودکانی که از نظر ذهنی مهارت کافی نداشتند، مهم‌ترین فرد در ایجاد تحول در اروپا شناخته شد. اولین بیانیه وی در مورد فلسفه و تدابیر به نام "روش مونته سوری" در سال ۱۹۱۲ مطرح شد. یکی از علاقه‌مندان و ترویج دهندگان "روش مونته سوری"، هلن پارک هرست بود که در نقش مترجم و هماهنگ کننده امور و آغاز کننده به کارگیری این جنبش در ایالات متحده امریکا او را همراهی کرد. مونته سوری به عنوان فرد پیشرو و الهام بخش در زمینه اصلاح آموزش، از سوی گراهام بل و توماس ادیسون مطرح شد (همسر گراهام بل یکی از مؤسسان انجمن آموزش مونته سوری بود) و سعی بر آن داشت که کاربست این روش را در نظام‌نامه تربیت و برنامه‌های تحصیلی رسمی قرار دهد. محبوبیت وی با افزایش بودجه دولت برای کودکانها گرفتن تأییدیه برای افزایش آموزش قبل از ۶ سال از دستگاه قانون گذاری به اوج رسید. سرانجام روش او از سوی کیلپاتریک به عنوان فرد مخالف جهت‌یابی‌های اجتماعی در زمینه آموزش پیشرفته، از منظر عدم پاسخگویی آن به نیازهای اجتماعی جوانان، مورد انتقاد قرار گرفت. به عنوان یک گزینه فعال دیگران در

1. Kilpatrick



گروه زنان، پیشنهاد پنی اسمیت هیل (۱۹۱۵) مربوط به تأسیس کودکانستان آزمایشی، توجه بر تعامل اجتماعی و متناسب با ایده‌های پیشرفته و تجربه گرایان شد. از دیگر زنان فعال، ایس بارو به عنوان اصلاح‌گر فعال مدرسه، بر این باور بود که تمام دانش‌آموزان باید از آموزش حرفه‌ای بهره ببرند. او در ایجاد سیستم تلفیقی از مهندسی کارآمد اجتماعی و اندیشه‌های پیشرفت‌گرا در برنامه درسی شهرت یافت.

رویکرد مشورتی؛ گلچین جهت‌گیری دیویی، بابت و بگلی در سند مبانی اصلی آموزش متوسطه بگلی^۱ و مباحث وی پیرامون ایجاد برنامه درسی و تأکیدش بر ضرورت تغییر در نگاه سنت گرایان ذهنی و "آموزش و پرورش کهنه" و همچنین فعالیت‌های انجمن آموزش ملی در زمینه برنامه درسی موجود مدارس در این دوره اهمیت دارد که گروهی از معلمان (مدیران اجرایی مدارس و تحصیلات تکمیلی) دور هم جمع شدند تا در سیاست برنامه درسی دبیرستان تجدید نظر و سندی با عنوان مبانی اصلی آموزش متوسطه^۲ (۱۹۱۸) با رویکرد جدیدی در اندیشه برنامه درسی بنویسند. سند مزبور، ترکیبی از رویکردهای آموزشی موجود و حاکی از تلاش برای ایجاد یک برنامه درسی با توافق همگان بود. حرکتی که در ایجاد نگرش آموزشی وحدت یافته از سه جهت‌گیری مطرح شده از سوی دیویی، بابت و بگلی و با محور نمودن یا نادیده انگاشتن بسیاری از وجه تمایزات آنها، نوشته شد. این کتاب به عنوان یک بیانیه سیاسی، با ارائه مفهوم گسترده‌ای از اهداف کلان و کلی همچون سلامتی، طی مراحل فرایندی اساسی، عضو شایسته خانواده بودن، آمادگی شغلی، حق شهروندی، استفاده مفید از اوقات فراغت و برخورداری از شخصیت اخلاقی است.

تلاش برای هماهنگ سازی این سه جهت‌گیری، با بهره‌گیری از نقاط مشترک در جهت تبدیل آنها به اقدام و سیاست آموزشی، رویکرد آموزشی گلچینی را ایجاد کرد که "رویکرد مشورتی" نامیده شد. بر اساس این رویکرد، مشورت گرایان نباید بی آنکه در جامعه آموزشی تأثیر بگذارند عزل و همچنین نباید به عنوان نویسندگان بدون مطالبی برای ارائه، تلقی شوند. در مقاله مبتنی بر این رویکرد آمده است که در نظر داشته باشید اگر مشورت‌گرایان تهی از افکار کارآمد باشند و بنابه دلایل سیاسی و عدم درک از مناظرات، سازش پذیر شوند، آنگاه معزول خواهند شد. مشورت‌گرایان به تعهدی برای ایجاد طرحی فعال در حیطه برنامه درسی هماهنگ با ابعاد شخصیتی و هویتی مدارس دولتی آمریکایی پایبندند. این مؤلفان در پی انقلاب آموزشی نیستند بلکه در اشتیاق القاء مفاهیم برنامه‌های درسی با کیفیت به تمرینات آموزشی جاری با در نظر گرفتن روش آموزشی، ساختار عملی و انتظارات جامعه هستند.

پایان دهه دوم قرن بیستم با نوعی انسجام در شناسایی و به رسمیت شناختن مطالعات برنامه درسی به عنوان حوزه مطالعاتی مناسب رشد و ترقی همراه شد. کتاب مبانی اصلی آموزش متوسطه به عنوان سندی در دنیای آموزش و عمل به آن، نوعی قدرت وحدت بخش بود (شوبرت، ۲۰۰۲).

جمع بندی و نتیجه گیری

این دهه، با مهمترین و تأثیر گذارترین حادثه تاریخ بشری و قرن بیستم، جنگ جهانی اول، تلاش انسان‌های این دوره برای غلبه بر جنگ و بلاهای آن در عرصه علم و هنر و فناوری، درک اهمیت آموزش برنامه ریزی شده و تولد حوزه مطالعاتی برنامه درسی همراه است. نگاه به واقعیت‌های زندگی و آموزش کاربردی برای آن‌را در اندیشه بابت، یکی از اولین نظریه‌پردازان حوزه مدرن آموزش مدرسه‌ای و برنامه‌درسی در سال ۱۹۱۵، با طرح اندیشه "تحلیل فعالیت"، شاهدیم که کارآمدی اجتماعی را تحت تأثیر تحولات علمی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، هنری قرن بیستم، در آموزش به رسمیت

1. Bagley
2. Cardinal Principles of Secondary Education



شناخت. در این مسیر، مطالعات برنامه درسی از نهضت پیشروان آموزش و پرورش و مکتب روانشناسی تجربی برخوردار شده و تداوم آن در ارائه اولین تعریف بابیت (۱۹۱۸) از "برنامه درسی" را شامل "کلیه فعالیت‌هایی که کودکان و نوجوانان در مدارس باید انجام دهند تا توانایی انجام فعالیت‌های ضروری برای زندگی موفق بزرگسالی آن جامعه در آنها بوجود آید" داریم. در همان سال، همسویی سه جهت‌گیری "بابیت"، "دیویی" و "بگلی" با "رویکرد مشورتی" در "سند مبانی اصلی آموزش متوسطه" با ارائه مفهوم گسترده‌ای از اهداف کلان و کلی ارائه شد. رویکردی که جوهره توجه بر ماهیت دو گانه برنامه درسی در حوزه نظر و عمل، یعنی هر دو جنبه نظریه پردازی و مفهوم سازی (برنامه درسی به عنوان حوزه ای علمی) و جنبه فنی و تدوین الگو (برنامه درسی به عنوان سندی مکتوب) را در تصمیم سازی‌های مطالعات برنامه درسی در بر دارد (۱۳۹۰). در اواخر همین دهه است که نویسندگان کتاب مبانی اصلی، به سنت گرایان ذهن گرا اطمینان خاطر دادند که چگونه می‌توان بدون نگرانی، در هر رشته‌ای از موضوعات درسی، اهداف مزبور را به کار گرفت. به طور مثال، مطالعات اجتماعی بر تاریخچه مشاغل، زندگی خانوادگی و وظایف مدنی تأکید کند یا آموزگار ادبیات انگلیسی بتواند این نکته را بیان کند که چگونه ادبیات می‌تواند متناسب با استفاده بهینه از اوقات فراغت و ابرزاری تأثیرگذار بر شخصیت اخلاقی و ارتقاء زندگی خانوادگی، به کار گرفته شود.

منابع

- Bobbitt, Franklin. (1918) *The Curriculum*. Boston: Houghton, Mifflin Company.
Schubert, W. et al. (2002) *The First Hundred Years*, 2nd edition, New York: Peter Lang publication. Chapter four: Curriculum Literature and Context (1910-1920)

بازرگان، سیمین، تبیین، طراحی و اعتبارسنجی برنامه درسی راهبردی آموزش عالی، (۱۳۹۰)، رساله دکتری.